

نگرانها و مسئولیت‌ها و خستگی‌های بی‌درپی ممکن است موجب سهل‌انگاری مادر در مورد تربیت طفل شود

گزارش گروه سه : بررسی نظام قدیم و جدید آموزش و کار علم

برداشت کلی گروه ما از نظام قدیم و نظام جدید آموزشی و بررسی کار معلم و مشکلات وی : ما انتقاد را ابتداء از خود شروع میکنیم چه معلمیم و به انتقاد سازنده معتقد . می‌گوییم مغولها آمدند و کشتند و بردند. فرزندان محصل ما هم میخوانند و می‌نویسند و حفظی‌کنند و این غارت فکرها است .

کارگروهی ، بکار انداختن قوای ذهنی و بدنی دانش‌آموز ، انتخاب واحدهای علوم تجربی و انسانی را باید از دبستان شروع و در راهنمایی تکمیل کرد ، چرا معلمین این روش‌ها را در تربیت معلم می‌آموزند و در همانجا فراموش می‌کنند و بعد هم گناه بی‌سوادی فرزندان را بگردن آنها تیکه در رأس هستند می‌اندازند. مدیر مدرسه را مقصر می‌دانیم زیرا که او نزدیکترین مقام مسئول به ماست نمی‌توان منکر اختلافات فردی شد . احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی در افراد مختلف متفاوت است ، همانطور که ممکنست معلم بی‌توجه و بی‌اری بهر جهت داشته باشیم اسکان وجود مدیر وظیفه‌شناس هم هست ولی بما بگوئید چند مدیر مدرسه می‌شناسید که حرمت معلم واقعی ، علاقمند و وظیفه‌شناس را نگه نمی‌دارد و در حدود اسکانات سعی نمی‌کند نیازهای وی را برآورد ؟ بیائید با استفاده از نعمت ثبات و امنیتی که در حال حاضر از آن برخورداریم قبل از هر چیز خود را بشناسیم و بسازیم ، همه ما با مال روزی شاگرد بودیم و دارای معلمین متعدد ، بیائید از این عده از آنهایی سر مشق بگیریم که ذکر نامشان پس از گذشت سال‌ها موجب تکریم و تعظیم و افتخار جامعه معلم است و اینست بزرگترین اجر یک معلم ، نه آنهاییکه فقط در محافل دوستانه و مهمانی‌ها برای خندانیدن اطرافیان یادشان می‌کنیم چه ، افزار کار ما انسان‌ها هستند و هیچ دآوری بهتر از شاگرد در مورد معلم قضاوت نمی‌کند .

همان توفقی را که از معلم کودک دل‌بند خود داریم از خود هم داشته باشیم. مصداق از ماست که بر ماست را بخاطر آوریم . اگر معلم خوبی برای فرزندان این آب و خاک نیستیم ، نباید از معلم فرزند خود انتظار داشته باشیم چون او هم غیر از ما نیست .

نگوئیم وسیله و اسکانات نداریم . هیچکس منکر وسایل آموزشی مجهز در بهبود وضع تعلیم و تربیت نیست ولی ما خود بهتر از هر کسی واقفیم که هیچ عاملی در آموزش و پرورش

گزارش گروه‌های نوزدهمین دوره

مؤثر تر از معلم دلسوز و علاقمند نیست. چه شخصیت، انسانیت و نحوه زندگی رادانش آموز از معلم می آموزد نه از Perogectoroverhead یا سولازهای متعدد.

اما ما معلمین به تنهایی قادر به انجام این مهم نیستیم و به کمک مقامات مسئول و دست اندر کاران آموزش و پرورش احتیاج داریم. با وجود تمام امکانات و پیشرفت های شگرف اجتماعی و اقتصادی که در سالهای اخیر در کلیه شئون کشور بوجود آمده نمیتوان منکر این واقعیت شد که سطح سواد و معلومات علمی دانش آموزان نسبت به گذشته تنزل کرده و یکی از عمده ترین دلایل آنهم همانطور که ذکر شد وجود معلم نا وارد و بی علاقه است.

سالهاست عده بی از دیپلمه هائی که همه درها را بروی خود بسته می بینند و از همه جا سرمی خورند به معلمی روی می آورند و با گذراندن یک امتحان ورودی بسیار ساده و دیدن یک دوره کارآموزی که خدا می داند تا چه اندازه شمر ثمر است وارد مدارس میشوند و سرفروخت امیدهای آینده این مملکت را بدست گرفته، به انسان سازی می پردازند، حال، آبا خودشان از لحاظ خصوصیات بدنی - روانی - اجتماعی تا چه حد آسازگی پیدا کرده و می توانند این مسئولیت خطیر را به عهده بگیرند، والله اعلم!

دوره های کارآموزی که فقط درابتداء شروع بکار گذاشته میشود چون بازآموزی نمی گردد فراموش میشود حال آنکه حداقل باید سالی یکبار این کلاسها تکرار و معلمین موظف به گذراندن آن گردند. در این کلاسها به جای وقت گذرانی و پرکردن ساعات با مطالب زائد و غیر ضروری به معلمین، روش تدریس، اطلاعاتی درسورد روانشناسی کودک و نوجوانی بیاسوزند و بخصوص اشکالات درسی وی را برطرف و سطح سواد و معلوماتش را در سواد مورد تدریسش همگام با پیشرفت زمان بالا ببرند.

هنوز هستند معلمینی که بخطوط مختلف فارسی آشنائی ندارند و املاء کلمات را کاملاً نمی دانند، معلمی که نیز را پتیر می نویسد چطور می تواند از دیکته شاگردش غلط گیری کند و باو نوشتن صحیح بیاموزد؟ خطنسخ را در کتاب اول ابتدائی خیلی آسان میشود یاد گرفت و آموخت ولی روشی برای آموختن خط نستعلیق بکودک وجود ندارد یا اگر هست بما نیاموخته اند.

بنابراین اولین پیشنهاد، ترتیب کلاسهای کارآموزی و مخصوصاً بازآموزی مستمر برای کلیه معلمان می باشد.

نظام قدیم آموزش و پرورش در حال انهدام است و در نظام جدید بقول متخصصین فن هدف تبدیل مغزهای انباشته به پرورده و آماده کردن دانش آموز برای انطباق با زندگی در عصر فضا می باشد. در دوره ابتدائی اگرچه کتابها جامع و مناسب است ولی روش تدریس آنگونه که باید باشد نیست، در قدیم مدارس علم الاشیاء و تاریخ و جغرافیا را حفظ میکردیم و برداشت خود را به معلم پس میدادیم، اعم از تست یا کلی. ولی امروزه معلم عزیز و بسیار

گزارش گروه های نوزدهمین دوره

خوب ، فقط از روش تدریس جدید این را بخاطر سپرده به پرسشهای آخر هر درس پاسخ بدهد و بچه ها مانند دستگاه ضبط صوت آنها را گرفته و پخش نمایند و از روی درس یعنی آزمایشها و تجارب که هدف از تدوین آنها راهنمایی دانش آموز است که خود آزمایش کند و نتیجه بگیرد بطور سرسری فقط خوانده و فراموش میگردد و در کلاسهای بالاتر با کتابهای معلومات عمومی درسی که یک عده از خدا بیخبر فقط برای پرکردن جیب خود منتشر نموده اند ، جواب سوالات خیلی آسان در اختیار دانش آموزان است و وجود همین ها باعث میشود که کتابهای درسی اصلا بوسیله دانش آموز خوانده و حلای نگردهد. آیا این است هدف نظام جدید آموزش و پرورش یعنی تبدیل مغزهای انباشته و فشرده به مغزهای پرورش یافته ؟

پس دومین خواست ما اینست که برنامه روش تدریس بخصوص در دبستانها عملا هم منطبق بانظام جدید باشد بجای برنامه رونویسی که چیزی جز اتلاف وقت نیست دبستانها روزی یکساعت از برنامه درسی خود را به انجام تکالیف شب دانش آموزان در سر کلاس و با نظارت معلم اختصاص دهند (البته همان تکالیف که در کتاب ذکر شد نه شش صفحه رونویسی از متن درس) دانش آموزان دبستانی موظف شوند شها در خانه بخوانند کتابهای متناسب با سن و کلاس خود پرداخته و گزارش تهیه نمایند و این یک روش کلی برای همه مدارس باشد نه چند مدرسه نمونه. و با کمک وسایل ارتباط جمعی اذهان اولیا را روشن نمایند که از مدرسه توقع تکلیف شب مثل سابق نداشته باشند و نیز بطور جدی از نشر و پخش کتابهای معلومات عمومی درسی جلوگیری و مسئولین مجازات شوند

۳ - نظر به اهمیت وظیفه خطیری که معلم برعهده دارد باید به او رسید و بقول دوستان او را دریافت. ارزش معنوی معلم را همه قبول دارند ما خود به شخصیت خطیر خود واقفیم و برآن ارجح می نهیم ولی از لحاظ مادی باید به کمبودهای ما توجه نمایند، اگر می خواهید فرزندان باشخصیت و باسواد داشته باشید معلم را از لحاظ مسکن ، خوراک، و پوشاک تأمین کنید و بفکر فرزندان او هم باشید .

تقاضای مشروع ما از مقامات مسئول آموزش و پرورش است که اولاً برای ما هم مزایا و حقوقی مانند سایر کارمندان دولت قائل شوند و نیز نگرانی برای معلمان مادر که کودکان خردسال و نوزاد دارند بنمایند و در صورت امکان در هر مدرسه یا حداقل در چند مدرسه از یک ناحیه اطاقهایی بعنوان مهد کودک برای نگهداری کودکان معلمان با وصفی آبرومند و بهداشتی و با حداقل اسکانات فراهم شود ، سربى کار آزموده از همین سربیان کودک که همه ساله استخدام میشوند برایشان در نظر گرفته شود تا معلم با خیال راحت کودکش را به این قبیل کانونها سپرده و راهی محل کارش شود حتی معلمین حاضرند از لحاظ مادی وسایل و اسکانات این محلها را هم خود فراهم نمایند. آموزش و پرورش فقط مجوز و مربی بدهد.

گزارش گروههای نوزدهمین دوره

۴ - ماسعلمین خواستار تأمین حقوق حقه معلمین غیردولتی هستیم. ما به پیروی از بنویات شاهنشاه خود که امر به تأمین معلم فرموده و فرقی بین معلم دولتی و غیر دولتی قایل نشده‌اند می‌خواهیم که هرچه زودتر تکلیف این طبقه شریف روشن شده و سوابق خدمت آنانرا بحساب آورده و حقوق و مزایای معلمین دولتی رادرسورد آنها نیز پیاده کنند .

۵ - ما می‌خواهیم در انتخاب رؤسای مدارس دقت بیشتری بکار برده شود و بهر از راه رسیده‌ای این پست حساس را ندهند. افرادی را انتخاب کنند که صلاحیت‌اداره یک مؤسسه فرهنگی و آموزشی را داشته ، باتجربه ، فعال و وارد به کار باشند . در ضمن مزایای او را هم در نظر بگیرند .

۶ - معلمین ریاضی و علوم تجربی و شناخت حرفه و فن به علت کمبود دبیر در این سه رشته ناگزیرند در همان سمنی که دارند باقی بمانند و ارتقاء مقامشان در حال حاضر ممنوع است ولی آیا این معلم نباید در صورت شایستگی و صلاحیت ارتقاء حاصل نماید ؟

۷ - نباید فراموش کرد تشویق بجا و موجب تحرک بیشتر و علاقمندی نسبت به کار میگردد و باید تشویقها بر اساس ملاکهای صحیح و پیگیریهای مداوم و بدون نظرانجام بگیرد و در آن روش تدریس معلم ، رفتار او با دانش‌آموزان و اولیاء آنان ، احساس مسئولیت ، نظم و انضباط ، وقت‌شناسی ، شخصیت ، حسن سلوک ، ابتکار ، سواد ، فعالیت‌های فوق برنامه ، رعایت مقررات مدرسه و سایر نکاتی که از خصوصیات یک معلم شایسته است در نظر گرفته شود .

۸ - گاه دیگر انتشار هرگونه دستورالعملی در مطبوعات و جراید می‌باشد ما به عقیده صاحب نظران آموزش و پرورش کشور که خود دست پرورده آنانیم احترام می‌گذاریم . میدانیم که تکالیف زیاده از حد در عید نوروز چیزی جز اتلاف وقت نیست ، میدانیم که دریافت هدایا از دانش‌آموزان دور از شأن معلم است ، با تنبیه بدنی صددرد صد مخالفیم ولی چرا باید این مطالب با آب و تاب تمام در مطبوعات منتشر شده و بهانه‌ای بدست یک عده افراد عامی که هیچگونه اطلاعی از تعلیم و تربیت ندارند و دانش‌آموزان کم تجربه که روح چون آئینه‌شان فوراً به اینگونه مطالب صحنه می‌گذارند بیفتد ؟

۹ - بیائید با فراهم آوردن امکانات رفاهی بیشتر و تغییر ضوابط در انتخاب معلم نام افتخار آفرین معلم را بی‌ارج نگردانید ، به معلمین شاغل شایسته امتیازاتی بدهید . چرا معلمین که نه‌ماه تمام باشاگردان سرو کله زده و اعصابش کوفته شده نباید امکاناتی از قبیل پلاژ و کمپ‌های ییلاقی همانطور که تمام وزارتخانه‌ها و سازمانها دارند داشته باشد ؟

۱۰ - چرا درهای خانه‌های معلم که بهترین کانون برای گردهم‌آئی معلمان و یک اجتماع کوچک برای سرگرمی خانواده آنان و تشکیل کانونهای حزب رستاخیز می‌باشد باز نشده بسته شد و فقط تابلوهای نئون آنها از خارج خودنمایی مینماید و بس .

گزارش گروه‌های نوزدهمین دوره